

حقوق و تلاش های حق طلبانه زنان

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» بر اصل جایز نبودن تبعیض تأکید دارد و اعلام می‌دارد که تمامی افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند، از لحاظ مقام و منزلت و حیثیت و حقوق یکسان می‌باشند و می‌توانند از تمامی حقوق و آزادی‌ها بدون هیچ‌گونه تمایزی، از جمله جنسیت، بهره‌مند شوند. اما علی‌رغم منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی و دیگر مصوبات سازمان ملل متحد، اعمال تبعیضات علیه زنان به‌طور گسترده‌ای در بسیاری از کشورها، هم‌چنان ادامه دارد. تبعیض علیه زنان، ناقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت بشر و بارفاه خانواده و جامعه ناسازگار است و از کامیابی و موفقیت نهادهای اجتماعی ممانعت می‌کند و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور خود می‌شود. از شکفته شدن و کمال استعدادهای نهانی زنان در زمینه خدمت به کشور و بشریت جلوگیری می‌کند. توسعه و پیشرفت کامل یک کشور و رفاه جهانی و برقراری صلح، به‌شرکت یک‌پارچه و برابر حقوق زنان و مردان در تمام زمینه‌ها بستگی دارد. نقش زنان در ایجاد رفاه خانواده، تربیت کودکان، و پیشرفت جامعه، یک نقش عمده و کلیدی است و ضروری است که مساوات میان مردان و زنان در تمام عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی تحقق پذیرد و از اینرو باید اصل تساوی حقوق زن و مرد، در سطح جهانی، در قانون و عرف، به رسمیت شناخته شود، تضمین شود و بدون هیچ بهانه و اعمال محدودیتی به اجرا درآید. در اینجا ابتدا به حقوق اساسی زنان که در سطح جهانی و از سوی نهادهای معتبر بین‌المللی و سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است نظری اندازیم و سپس به ضرورت تقویت حرکت مستقل زنان برای احقاق حقوق خود، اشاره‌ای داشته باشیم.

الف) حقوق شناخته شده جهانی زنان برای رفع تبعیضات علیه زنان

برای آشنایی بیشتر با حقوق به رسمیت شناخته شده جهانی برای زنان، ضروری است

که به مواد و اصول «کنوانسیون رفع کلیه تبعیض‌ها، علیه زنان» (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) و «اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زنان» (مصوب ۱۹۷۵) نگاهی انداخته شود.

۱- تبعیض جنسی و اساس مقابله با آن

ماده ۱ «کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان» (مصوب ۱۹۷۹) توضیح می‌دهد که «واژه تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به معنای قائل شدن هرگونه وجه تمایز، استثناء یا محدودیتی براساس جنسیت است که در مورد به رسمیت شناختن آزادی‌های اساسی زنان، رعایت حقوق بشر، و تساوی حقوق زن و مرد، خلل و آسیب وارد سازد. ماده اول «اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن» (مصوب ۱۹۷۵) اعلام می‌دارد که این‌گونه تبعیض‌های جنسی، امری است غیرعادلانه و تجاوزی است به حریم شأن و مقام انسانیت. ماده دوم «کنوانسیون» تأکید دارد که برای رفع تبعیض علیه زنان، باید اصل مساوات زن و مرد در قوانین اساسی یا سایر قوانین، هم‌چنین وضع قوانینی در جهت تثبیت حقوق زنان گنجانده شود و تمامی مقررات کیفی و قوانین و مقرراتی که تبعیض علیه زنان را در بردارد، فسخ شود. ماده دوم «اعلامیه» تأکید دارد که باید تمامی تدابیر و اقدامات لازم، برای امحای عرف و عادات و مقررات و اعمالی که نسبت به زنان جنبه تبعیض دارد، صورت پذیرد. ماده هفتم «اعلامیه» اشاره دارد که باید تمامی مواد مربوط به قوانین جزا که تبعیضاتی علیه زنان روا می‌دارد، لغو شود. ماده ۵ «کنوانسیون» ضروری می‌داند که دولت‌های عضو، به منظور از بین بردن تعصب‌ها، سنت‌ها و روش‌هایی که مبتنی بر طرز فکر پست‌نگری یا برتری فکری جنسیت می‌باشد، در جهت تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار و مناسبات مردان و زنان عمل شود. هم‌چنین در جامعه و خانواده، درک صحیح از وظیفه اجتماعی مادر و مسئولیت مشترک مرد و زن در پرورش و تربیت کودکان، به وجود آید و رشد یابد. ماده سوم «اعلامیه» نیز تأکید دارد که باید اقدامات و تدابیری برای پرورش افکار همگانی و سوق دادن آمال ملی در راستای ریشه‌کن کردن تبعیضات و امحاء عرف و عادات و کلیه رسومی که موجب تحقیر زن می‌شود، اتخاذ شود.

۲- سوءاستفاده جنسی از زنان

در واقع سوءاستفاده از زنان و کودکان و اجیرکردن آنها برای سوءاستفاده‌های جنسی، شکلی از «بردگی» است.

ماده ۶ «کنوانسیون» اعلام می‌دارد که دولت‌ها باید اقدامات مقتضی به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از زنان را انجام دهند. ماده هشتم «اعلامیه» نیز اشاره دارد که باید

با هرگونه معامله در مورد زنان و بهره‌برداری از فحشاء زنان مبارزه کرد. در ماده سوم «مقاوله‌نامه بین‌المللی» راجع به تأمین حمایت مؤثر، علیه معامله جنایتکارانه موسوم به «خرید و فروش سفیدپوستان» (مصوب ۱۹۰۴)، دولت‌های امضاءکننده متعهد شده‌اند که اقدام لازم برای شناسایی و مقابله با اشخاصی که زنان و دختران را اجیر می‌کنند و برای فحشاء، به کشورهای دیگر می‌برند، به عمل آورند و چنین زنان و دخترانی را به وطن اصلی خود برگردانند. در «قرارداد بین‌المللی دربارهٔ جلوگیری از «خرید و فروش سفیدپوستان» (مصوب ۱۹۱۰) هرگونه سوءاستفاده از زنان به منظور اشاعه فحشاء جرم شناخته شده است. ماده اول «قرارداد» تأکید دارد که هرکس برای انجام هوی و هوس دیگری، زنی را ولو با رضایت خودش باشد یا دختر صغیری را برای فسق، اجیر و جلب یا از راه عفت منحرف سازد، باید مجازات شود و ماده دوم «قرارداد» اشاره دارد که هرکس برای انجام هوی و هوس دیگری، به وسیله فریب، زور و تهدید یا هرگونه وسایل جبریه دیگر زن یا دختر بالغی را برای فسق، اجیر و جلب یا از راه عفت منحرف سازد، باید مجازات شود. همچنین در ماده دوم «قرارداد بین‌المللی الغاء خرید و فروش نسوان و کودکان» (مصوب ۱۹۲۱) دولت‌های امضاءکننده قرارداد موافقت کرده‌اند، برای شناسایی و مجازات افرادی که زنان یا کودکان (اناث و ذکور) را مورد معامله قرار می‌دهند، اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین در ماده ۱ «قرارداد بین‌المللی در مورد جلوگیری از معاملهٔ نسوان کبیره» (مصوب ۱۹۳۳)، تأکید شده است که «هرکس برای شهوت‌رانی دیگری، زن یا دختر کبیری» را ولو با رضایت خودش برای فسق در مملکت دیگری اجیر و جلب یا از راه عفت منحرف سازد، باید مجازات شود. شروع به ارتکاب جرم، نیز قابل مجازات می‌باشد و همین‌طور عملیات مقدماتی ارتکاب جرم نیز در حدود قوانین قابل مجازات است». همچنین در «قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و کارهایی که مشابه بردگی است» (مصوب ۱۹۵۶) اشاره شده است که برخی، از رسوم و سنت‌ها، مشابه بردگی است و باید در سراسر جهان منسوخ شود. در ماده اول این «قرارداد» (قسمت ج) - این‌گونه کارها را، شامل هرگونه رسومی می‌دانند که به موجب آن: ۱- والدین یا قیم یا کسان و یا شخص یا عده‌ای دیگر، زنی را بدون اینکه وی حق استنکاف داشته باشد، به شخص دیگری وعده دهند یا به زوجیت او درآورند و در ازاء این امر، مبلغی وجه نقد یا جنس دریافت کنند. ۲- شوهر یا اقوام شوهر یا طایفه شوهر حق داشته باشند، در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگر، زن را به دیگری واگذار کنند. ۳- زنی پس از مرگ شوهر به شخص دیگری به ارث برسد. همچنین در ماده دوم این «قرارداد»، دولت‌های عضو، متعهد شده‌اند که حداقل سن مناسبی برای ازدواج معلوم کنند و ترتیبی بدهند که طرفین ازدواج به آسانی بتوانند در برابر مقام دولتی یا مقام روحانی، رضایت خود را بیان کنند و مراسم ثبت ازدواج را برپا سازند.

۳- ملیت و تابعیت

- ماده ۹ «کنوانسیون» و ماده ۵ «اعلامیه» تأکید دارند که باید زنان در مورد کسب، تغییر، یا حفظ تابعیت و ملیت خود، دارای حقوق برابر با مردان باشند. ازدواج با مرد خارجی، تغییر ملیت شوهر در دوران ازدواج، نباید به خودی خود، بر ملیت زن، بی‌وطن شدن، سلب تابعیت از وی، یا تحمیل تابعیت شوهر به وی، اثر بگذارد.

۴- آموزش و پرورش

- ماده ۱۰ «کنوانسیون» و ماده ۹ «اعلامیه» تأکید دارند که به منظور رفع تبعیض علیه زنان، در زمینه آموزش و پرورش، و تضمین حقوق مساوی دختران و زنان (مجرد و متأهل) با مردان، در فراگیری دانش و تحصیل در همه سطوح، باید اقدامات لازم، به ویژه در موارد زیر اتخاذ شود:

الف - ایجاد امکانات و شرایط مساوی با مردان در انجام تحصیلات در مؤسسات علمی و فرهنگی و مدارس حرفه‌ای و فنی و دانشگاه‌ها، و دریافت مدارک تحصیلی از مؤسسه‌های آموزشی تمامی رشته‌ها و در تمامی سطوح، چه در شهر و چه در روستا.

ب - انتخاب دوره‌های آموزشی نظیر دوره‌های مربوط به مردان، با امتحانات و کادر تعلیماتی و لوازم تجهیزات فنی مشابه.

ج - از بین بردن هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و اشکال مختلف آموزشی، به ویژه از طریق تجدید نظر در کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس.

د - امکانات مشابه با مردان، به منظور استفاده از بورس‌های تحصیلی و مطالعاتی و سایر مزایای تحصیلی.

ه - امکانات مشابه با مردان برای اجرای برنامه‌های مربوط به ادامه تحصیل و سوادآموزی بزرگسالان و کاهش هرچه سریع‌تر شکاف آموزشی موجود بین زنان و مردان. و - کاهش تعداد دانش‌آموزان دخترتری که ترک تحصیل می‌کنند و تنظیم و اجرای برنامه‌هایی برای دختران و زنانی که قبلاً ترک تحصیل کرده‌اند.

ز - امکانات مشابه با مردان برای شرکت فعال زنان در امور ورزشی و تربیت بدنی.

ح - دسترسی به اطلاعات علمی به منظور تأمین بهداشت و رفاه و سلامتی و تندرستی خانواده.

۵- حقوق سیاسی

در ماده ۷ «کنوانسیون» و ماده ۴ «اعلامیه» تأکید شده است که به منظور رفع تبعیض علیه زنان، در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور، و براساس تساوی حقوق زن و مرد،

حقوق زیرین برای زنان تأمین شود:

الف - حق شرکت در تمامی انتخابات و همه‌پرسی‌ها و رفرااندوم‌های عمومی. واجد صلاحیت بودن برای انتخاب شدن در تمامی انتخابات عمومی و برای تمام ارگان‌های منتخب مردمی.

ب - حق شرکت در تعیین و اجرای سیاست‌های دولتی، و حق تصدی مقامات دولتی و انجام کلیه وظایف عمومی در تمام سطوح دولت.

ج - حق شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی و مرتبط با حیات سیاسی و اجتماعی کشور.

۶- شغل

در ماده ۱۱ «کنوانسیون» و ماده ۱۰ «اعلامیه» تأکید شده است که به منظور رفع تبعیض علیه زنان در زمینه شغلی و کار، و براساس تساوی حقوق زنان و مردان، باید حقوق زیر برای زنان و دختران تضمین و رعایت شود:

الف - حق اشتغال به کار به عنوان حق لایتنجری افراد بشر.

ب - حق استفاده از امکانات مشابه «شغلی» از جمله رعایت ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل.

ج - حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق ارتقاء مقام و پیشرفت در حرفه و شغل، حق برخورداری از امنیت شغلی و تمامی امتیازات و شرایط شغلی، و حق استفاده از دوره‌های آموزشی حرفه‌ای و بازآموزی.

د - حق دریافت دستمزد مساوی با دستمزد مردان و نیز استفاده از مزایا و برخورداری از رفتار مساوی در مشاغلی که دارای ارزش مساوی است.

ه - حق استفاده از بیمه‌های اجتماعی و مزایای دوران بازنشستگی و دوران بیکاری، هنگام بیکاری و ناتوانی و دوران پیری و دیگر موارد از کارافتادگی، و نیز حق استفاده از مرخصی با حقوق.

و - حق دریافت فوق‌العاده تأهل، معادل آنچه مردان دریافت می‌کنند.

ز - حق رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار، به طوری که تندرستی آنها در دوران بارداری تضمین شود و آسیبی به سلامت آنها وارد نیاید.

ح - ممنوعیت اخراج زنان به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان.

ت - حق دریافت مرخصی در دوران قبل و بعد از زایمان، با حقوق، بدون خطر از دست رفتن شغل، سمت، یا مزایای اجتماعی.

ی - ارائه خدمات اجتماعی لازم برای آنکه زنان بتوانند تعهدات خانوادگی را با

مسئولیت‌های شغلی هماهنگ سازند و ایجاد تسهیلات لازم برای مراقبت و نگاهداری از کودکان، ضمن شرکت در زندگی اجتماعی.
ک - حمایت خاص از زنان باردار برای منع شرکت زنان در مشاغلی که برای آنها زیان‌آور است.

۷- حقوق فردی

ماده ۱۳ و ۱۵ «کنوانسیون» و ماده ۶ «اعلامیه» با توجه به اصل تساوی حقوق زن و مرد و برای رفع تبعیض علیه زنان در بسیاری از زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی، خواهان رعایت حقوق زیرین برای زنان شده‌اند:

الف - حق تملک، اداره کردن، بهره‌برداری و فروش و وراثت اموال (و از جمله اموالی که در طول مدت ازدواج به دست آمده باشد)، حق انعقاد قرارداد، و اداره املاک و اموال خود.

ب - برخورداری از حقوق یکسان با مردان در کلیه مراحل دادرسی و دادگاه‌ها و محاکم.
ج - حق احراز مقام‌های قضایی و انجام امور ناشی از آن، بدون اعمال هیچ‌گونه تبعیض جنسی.

د - حق آزادی رفت و آمد، نقل و انتقال، انتخاب آزادانه محل اقامت و سکونت خود.
ه - حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن، و انواع اعتبارات مالی.
و - حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی سالم، رشته‌های مختلف ورزشی، و کلیه زمینه‌های زندگی فرهنگی و هنری، بدون اعمال هیچ‌گونه تبعیض جنسی.
ز - حق مساوی با مردان در استفاده از مزایای خانوادگی.

۸- ازدواج و طلاق

ماده ۱۶ «کنوانسیون» و ماده ۶ «اعلامیه» و نیز ماده ۲۳ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، به منظور رفع تبعیض علیه زنان، در مسایل مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی و طلاق، و براساس تساوی حقوق زن و شوهر، خواهان رعایت حقوق زیرین برای زنان شده است:

الف - حق مساوی با مردان در انتخاب آزادانه همسر

ب - حق ازدواج، با رضایت و توافق کامل.

ج - حق مساوی با مردان، در انعقاد ازدواج و فسخ و انحلال آن.

د - حقوق و مسئولیت‌های مساوی با مردان، در هنگام ازدواج، دوران زناشویی، هنگام انحلال آن، و دوران پس از جدایی.

ه - حقوق و مسئولیت‌های مساوی با همسر، به عنوان والدین، صرف‌نظر از وضعیت

زناشویی، در مورد مسایلی که به فرزندان آنها مربوط می‌شود.
و - حقوق مساوی با همسر، برای تصمیم‌گیری آزادانه و مستقلانه در مورد تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری.

ز - حقوق و مسئولیت‌های مساوی با همسر، در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و فرزندخواندگی.

ح - حقوق مساوی با همسر، در انتخاب نام خانوادگی، انتخاب حرفه و شغل دلخواه و ادامه تحصیل.

ت - حقوق مساوی با همسر در مورد مالکیت، به‌دست گرفتن مدیریت، سرپرستی ملک.

همچنین ماده ۱۶ «کنوانسیون» و ماده ۶ «اعلامیه»، تأکید دارند که دولت‌های عضو، اقدام مؤثری انجام دهند تا:

الف - ازدواج کودکان و نامزدی دختران جوان قبل از رسیدن به سن بلوغ ممنوع شود.

ب - حداقل سن مناسب برای ازدواج معلوم شود.

ج - ازدواج‌ها به‌طور الزامی و اجباری، در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسند.

ب - ضرورت حرکت مستقل زنان برای احقاق حقوق خود

علی‌رغم تمامی مصویبات بین‌المللی، در دفاع از حقوق زنان، متأسفانه اعمال تبعیض علیه زنان به‌طور گسترده‌ای در بیشتر کشورها همچنان ادامه دارد و بسیاری از حقوق اساسی آنها همچنان نقض می‌شود.

زنان و دختران یا باید تسلیم شرایط شوند، واقعیت موجود را بپذیرند، از حقوق اساسی خود حرفی نزنند، گوشه‌گیری اختیار کنند، یا باید با شناخت کامل از حقوق اساسی خود، برای تحقق آنها تلاش کنند. زن از هر طبقه‌ای که باشد، یک محرومیت عینی به‌عنوان زن می‌کشد و اگر از اقلیت‌های ملی، طبقات زحمت‌کش، یا از نژادهای تحقیر شده باشد، محرومیت دیگری هم از این نقطه‌نظر تحمل می‌کند. واضح است که آگاهی زن از آن محرومیت، زمانی آغاز می‌شود که زن، آگاهی ذهنی بیشتری به آن یافته باشد. ولی وقتی زنی، محرومیت خود را به‌عنوان زن مورد سؤال قرار داد و علیه آن عصیان کرد، دینامیک این اعتراض، او را به مبارزه علیه تمامی نابرابری‌های دیگر خواهد کشاند.

آگاهی زنان را از همین زاویه می‌توان سریع‌تر ارتقاء داد. زیرا یک زن، صرف‌نظر از تعلق آن به یک قشر و طبقه اجتماعی (کارگر، دهقان، معلم، خانه‌دار، کارمند، ...) در درجه اول، ستم‌کشیدگی‌اش را در «زن‌بودن» می‌بیند. زن کارگر می‌بیند که مرد کارگر از او بیشتر مزد می‌گیرد و کمتر مورد فشار قرار دارد. زن دهقان می‌بیند که مزد روزها کارش را باید به پدر یا

برادر یا شوهرش تحویل دهد. زن خانه‌دار هم باید تمام کارهای خانه را انجام دهد. از این روز زنان زودتر می‌توانند به محرومیت شدید خود به‌عنوان یک زن آگاه شوند و آمادگی بیشتری برای تلاش در راه رفع این محرومیت‌ها از خود نشان می‌دهند. در طول تاریخ همواره زن - بدون توجه به جایگاه اجتماعی او - نه‌تنها در درون طبقه خود بلکه توسط طبقات دیگر مورد تبعیض قرار می‌گرفته است. گرچه سرنوشت زن ستمدیده، به‌سرنوشت مرد استثمار شده پیوند خورده است، اما علاوه بر قیود اقتصادی و طبقاتی، به‌فشارها و محدودیت‌ها و محرومیت‌های خاص خود نیز دچار هست. اگر به‌زن و مرد کارگر ستم طبقاتی اعمال می‌شود، اما درون همان سیستم اقتصادی، زن کارگر مجبور به تحمل روابط نادرستی است که از سوی مرد کارگر به‌او تحمیل می‌شود. همچنین زنانی که به‌طبقات استثمارکننده وابسته بودند با وجود بسیاری از امکانات مادی باز هم مورد تحقیر و سوءاستفاده و ستم مردان قرار می‌گرفتند. در عین حال جنبش زنان برای دفاع و تحقق خواست‌ها و حقوق اساسی زنان، می‌تواند و باید با دیگر جنبش‌های اجتماعی عدالت‌جویانه یا آزادی‌خواهانه پیوندی واقعی برقرار سازد، و به‌عبارت دیگر در عین داشتن استقلال از دیگر جنبش‌های اجتماعی، بتواند وحدت و یگانگی عمومی میان همه این جنبش‌ها را شکل و تحکیم بخشد.

درست است که تغییر روابط تولیدی در اجتماع، از بین رفتن مالکیت خصوصی، ورود زنان به نیروی کار اجتماع و به‌دست گرفتن نقش‌های تولیدکننده اجتماعی، از شرایط لازم برای تساوی حقوقی زن و مرد است و چنین شرطی با تحقق یک تحول اجتماعی عمیق، جامه عمل می‌پوشد، اما این شرط لازم، به‌هیچ‌وجه برای تحقق حقوق زن کافی نیست. وجود جنبش زنان که مسایل ویژه زن را در اجتماع، مطالعه و برای احقاق حقوق زن تلاش می‌کند، تنها عاملی است که می‌تواند احقاق حقوق زن را در جریان تحول اجتماعی تضمین کند.

مطالعه انقلاب‌ها، به‌وضوح نشان می‌دهد که تغییر موقعیت زن در اجتماع، تا چه حد به‌وجود یک جنبش مستقل زنان در آن انقلاب، بستگی داشته است. واضح است که جنبش زنان نمی‌تواند به‌تنهایی تحول کیفی اجتماعی را به‌وجود آورد، بلکه باید همواره در عین استقلال، همبستگی و همدوشی خود را با جنبش‌های دمکراتیک حفظ کند. هیچ جنبش دمکراتیکی نمی‌تواند بدون شرکت زنان و دختران در زندگی اجتماعی - سیاسی و فرهنگی، به‌طور موفقیت‌آمیزی به‌پیش رود. هر جنبشی، میزان ترقی اجتماعی و سیاسی خود را به‌صورت شرکت فعال زنان و میزان مسئولیت آنها در آن جنبش، بازتاب می‌دهد. جنبشی که نتواند در برخورد با نیازها، آرزوها، خواست‌ها، علایق زنان و جلب اعتماد آنها، درست عمل کند، در اصل جنبشی است بدون آینده و محکوم به‌زوال. باید به‌زنان فرصت داد تا به‌آرزوهای آرمانی خود (داشتن شغل مناسب - ادامه تحصیل

تا سطوح بالا - ایفای نقش بزرگ در برنامه‌های آینده جامعه - ازدواج مناسب و ایفای نقش همسر و مادری نمونه - افزایش قدرت آفرینندگی و خلاقیت در همه عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و هنری - کسب استقلال و جلب اعتماد دیگران - ... دست یابند. باید علائق و نیازهای ویژه سن و موقعیت آنها در جامعه درک شود و فضای مناسبی برای آنها به وجود آید، تا بتوانند علائق و خواست‌های خود را با منافع و خواست‌های تمام مردم منطبق سازند، و با شرکت روزافزون و مؤثر در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و اداره جامعه، سیمای یک زن تلاشگر و مدیر شایسته را از خود ارائه دهند. مشخص‌ترین ویژگی‌های چنین سیمایی، آمادگی برای عمل، روح پرتلاش، کنجکاوی، تشنه حق و عدالت بودن و آزادی‌طلبی می‌باشد. باید سهم زنانه را برای ساختن و زیبا کردن زندگی، به‌طور جدی در نظر گرفت. آنها خواستار درک و پذیرش استعدادها و توانایی‌های خود، خواهان داشتن مسئولیت و فرصت‌هایی برای نمایش خلاقیت، قدرت تصمیم‌گیری و توان اجرای تصمیم‌های خود هستند. آنها می‌خواهند در اجتماع و در محیط کار و تحصیل و زندگی، تبعیض جنسی از بین برود، بدبینی و شکاکیت و یاس و تحقیرشدگی را در وجود خود ناپود سازند و با احساساتی شایسته‌تر و اخلاقی و الافر و رفتاری پخته‌تر و مسئولیت‌پذیری آگاهانه‌تر و جدی‌تر، در جامعه و خانواده حضور فعال و حتی رهبری‌کننده داشته باشند.

زنان سرشار از امیدهای درخشان و آرزوهای شرافتمندانه، مدافعان هرچیز نو، مبارزان برضد هرگونه سکون، تنها در توسعه و گسترش بیشتر مناسبات در روابط مردمی است که می‌توانند مقام سازمان‌دهندگان عالی و محققانی ثابت‌قدم و شخصیت انسانی خود را شکل و رشد دهند، از حقوق اساسی و دموکراتیک خود دفاع و برای تحقق آنها تلاش کنند، با ارتقاء بینش سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و علمی خود و بهره‌گیری از تجارب دیگران، برترس ناشی از بی‌تجربگی و نارسایی فکری سیاسی و اجتماعی خود غلبه، و نقش خود را به‌عنوان عاملی قاطع در مبارزه به‌خاطر آینده بهتر به‌درستی ایفا کنند. تنها زمانی که زن بر خصوصیت و ویژگی انسانی و حقوق برابر خود با مرد تکیه کند و فارغ از ویژگی‌ها و نقش‌های تاریخی، سنتی و موروثی در روند مبارزه اجتماعی و سیاسی شرکت جوید، می‌تواند امتیازات و حقوق از دست‌رفته اجتماعی و انسانی خود را به تدریج بازیابد و در روند تکامل جامعه، نقش مؤثری ایفا کند. مبارزه برای رفع ستم جنسی از زنان و تأمین حقوق اساسی آنها، مبارزه‌ای است علیه استبداد و نابرابری در همه عرصه‌ها، در مقابله با هر نوع سوءاستفاده و بهره‌برداری و تحقیر غیرانسانی آنها، برای طرد و حذف هرگونه محدودیت و حصار غیرانسانی، و ایجاد تحول در بینش‌ها و فرهنگ‌ها و سنت‌های عقب‌مانده زن‌ستیز. این تلاشی است عمیقاً دموکراتیک و حق‌طلبانه، همه‌جانبه و درازمدت که باید مورد تشویق و حمایت واقعی همه اقشار جامعه و نیز مردان آزاداندیش

قرار گیرد.

- چگونه زنان می توانند تصویری مؤثر و مثبت از خود نشان دهند، وقتی که از هر عرصه مهم و جدی دور نگه داشته شوند و به آنان جز کارهای کوچک و بی ارزش سپرده نشود، وقتی که از مهریانی و دلسوزی و عطوفت آنان برای مطیع ساختن آنها سوء استفاده شود، وقتی خیرخواهی و فداکاری و از خودگذشتگی داوطلبانه آنها در دام حیله و فریب و نیرنگ گرفتار شود، وقتی عشق آنان مورد تمسخر قرار گیرد، وقتی که احساسات شریف و انسانی، به کالاهای تجاری تبدیل شود، وقتی به زنان تنها به عنوان موجوداتی دارای کشش جنسی و از نظر فکری ناتوان و از نظر اجتماعی ضعیف و نامطمئن نگاه شود، وقتی زنان مایملک مردان قلمداد شوند که تنها باید در چارچوب خانه و آشپزخانه و... به تأمین نیازها و امیال مرد پردازند، وقتی باید برای کار و تحصیل یا تفریح سالم، از دیگران اجازه بگیرند، یا از عشق و علاقه زنان به خانواده در جهت به اسارت کشیدن هر چه بیشتر آنان به مردان بهره برداری شود، وقتی حق انتخاب آزادانه زنان در عرصه ازدواج و تعیین همسر، یا در عرصه انتخاب کار و تحصیل یا تعیین مسیر زندگی اجتماعی و سیاسی، نقض و لگدمال شود.

برای رفع تبعیضات علیه زنان و تأمین حقوق اساسی و انسانی آنها، نه تنها عدم تسلیم زنان به شرایط اسارت بار و تمایل آنان به مبارزه حق طلبانه، بلکه یاری و حمایت داوطلبانه و آگاهانه مردان نیز ضروری است. مردان باید درک کنند که تنها در گسترش هم جانبه تلاش حق طلبانه زنان است که قادر خواهند بود تا مادران، خواهران، همسران، و یاران اجتماعی خود را از آسیب بیماری های خطرناک اجتماعی مصون بدارند و تمامی جامعه را نجات بخشند. همبستگی و اتحاد با این تلاش به خاطر اعتلای شخصیت و مقام زنان و تأمین حقوق انسانی و برابر آنها با مردان، وظیفه همه مردانی است که رهایی زن را جزئی از رهایی انسان می دانند و خود را همسنگر این رهایی.

مرداد ۱۳۷۴

حقوق زن یک مساله جهانی است

سازمان جهانی حقوق بشر، گزارشی در مورد ظلم علیه زنان اعم از تشکیلات دولتی و یا تبعیض علیه زنان کارگر در کشورهای جهان ارائه کرد.
این گروه حقوق بشر در بیانیه مذکور از شرکت کنندگان در کنفرانس پکن خواست این باور را به جهانیان بقبولانند که حقوق زن یک مساله جهانی است.

ایران دوشنبه ۱۳ شهریور ۷۴